ابن مسعود و روش او در قرائت

شاگرد: این نقلی که ازآن از ابن مسعود فرمودی با «ان کان ابن مسعود لایقرأ علی قرائتنا فهو ضال[1]»، جور در نمی‌آید. یعنی ابن مسعود توبه کرده؟ قبلاً که می‌گفتیم گویا به این معنی بود که او می‌گفت از بقیه قرائات تحاشی نداشته باشید ولی در آن جا خودش تحاشی داشته.

استاد: بله، در ابن مسعود بعضی چیزها هست که راجع به آن به تفصیل بیشتری صحبت شود. مثلاً یکی این بود که معوذتین را جزء قرآن نمی‌دانست. سوره مبارکه فاتحه را در مصحفش ننوشته بود. این «لایقرأ» در بعض موارد همانطور که به نظرم فخر رازی می‌گوید «عقدة صعبة[2]» است؛ یعنی این یکی از مشکلترین چیزها در علوم قرآنی است. یعنی اینکه ابن مسعود معوذتین را جزء قرآن نمی‌دانند را چطور حل کنیم؟! مفصل هم بحث دارند. خیلی ها می‌گویند «کذب علیه»؛ اینها دروغ است. باقلانی گفته و دیگران. ابن حجر عسقلانی می‌گوید اینها روایات صحاح است، نمی‌شود روایتی که صحیح السند است و افراد راست گو برای ما گفته‌اند، شما بگویید «کذب علیه».

محقق کتاب الانتصار باقلانی[3]، از همین سنی های امروز است. گفته ابن حجر می‌گوید روایت صحیح را نمی‌توانیم در کنیم، بعد آن را تاویل کرده و بعد از تاویل گیر افتاده و تاویلش هیچ فایده‌ای ندارد غفر الله لنا و له! به ابن حجر ایراد گرفته است. و حال آنکه وقتی ابن حجر این را گفته بعد از او خیلی از علماء اهلسنت حرف او را تأیید کرده‌اند. گفته‌اند که ابن حجر راست می‌گوید، این روایت را که نمی‌توانیم کنار بگذاریم. باید برای آن یک فکری بکنیم. علی ای حال آن هم یک صفحه‌ای در فدکیه است.

منظور اینکه باید موارد «ان کان لایقرأ» جمع‌آوری شود. مواردی بود که ابن مسعود در قرائت خودش سرسختی نشان می‌داد. ولذا در صحیح بخاری بود «و الله لاأقرء»، که ای برای شاگردش بود ای ابودرداء. «والله لاأقرء هکذا». صدا زد و گفت بیا. گفت تو شاگرد ابن مسعود هستی؟ گفت بله. گفت ابن مسعود این را چطور می‌خواند؟ سوره مبارکه لیل، «و اللیل اذا یغشی، و النهار اذا تجلی، و الذکر و الانثی». درحالیکه در قرآن ما به این صورت «و ما خلق الذکر و الانثی» است. گفت ابن مسعود هم به این صورت «و الذکر و الانثی» می‌خواند. گفت اینها به من فشار می‌آوردند که «و ما خلق الذکر و الانثی» بخوان، اما والله لاأقرء.

یعنی خود همینی که شما می‌گویید، «لا اقرء» او با نظر ابن مسعود موافق بود. می‌گفت اگر ما یک «تعلمتم/ ما علّمتم» داریم روی آن پافشاری می‌کنیم. اینطور نیست که دیگران ما را از آن منصرف کنند و بگویند حالا باید مثل ما بخوانید. نه، ما همان جوری که هستیم می‌خوانیم. بگویید ما از این قرائت راغب به غیرش می‌شویم! «رغبتا عنه الی غیره»، نه این کار را نمی‌کنیم.

[1]الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٢ ؛ ص ۶۳۴

[2]فتح الباري لابن حجر (٨/ ٧٤٢)

[3]مقرر: محقق كتاب فتح الباري –مصطفى البغا- ابن حجر چنين مىگويد: وقد تأول القاضي أبو بكر الباقلاني في كتاب الانتصار وتبعه عياض وغيره ما حكي عن بن مسعود فقال لم ينكر بن مسعود كونهما من القرآن وإنما أنكر إثباتهما في المصحف فإنه كان يرى أن لا يكتب في المصحف شيئا إلا إن كان النبي صلى الله عليه وسلم أذن في كتابته فيه وكأنه لم يبلغه الإذن في ذلك قال فهذا تأويل مني وليس جحدا لكونهما قرآنا وهو تأويل حسن إلا أن الرواية الصحيحة الصريحة التي ذكرتها تدفع ذلك حيث جاء فيها ويقول إنهما ليستا من كتاب الله نعم يمكن حمل لفظ كتاب الله على المصحف فيتمشى التأويل المذكور

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 15:33:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:30:20 توسط ... .